

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرامرز دادور
۲۹ اگست ۲۰۲۰

جایگاه سیاسی یک جمهوریخواه دموکرات

در دوران اخیر که جمهوری اسلامی با بحران عمیق مربوط به حیات نظام روبه رو است، در میان مخالفان و فعالان سیاسی و اجتماعی منتقد، مجادلات گسترده سیاسی حول محور چگونگی عبور از نظام موجود در جریان می باشد. در مطلب زیر تلاش است که جایگاه سیاسی یک جمهوریخواه دموکرات و لائیک و مدافع سرنوشتی نظام به دست خود مردم، روشن تر گردد.

گرایش به انقلاب: اگر منظور از انقلاب عمدتاً تحول در راستای تغییر رادیکال در نظام سیاسی و تدریجاً در مناسبات اجتماعی و اقتصادی ستمگرانه حاکم باشد، در آن صورت مهم است که حرکت انقلابی توده ها در سال ۱۳۵۷، (البته نه پیدایش حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی) علیه نظام دیکتاتوری سلطنتی همواره مورد تقدیر صورت گیرد. در دیباچه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حق "طغیان بر ضد بیداد و ستم"، در صورت نبود "حقوق بشر با حاکمیت قانون" تأکید شده است. بر اساس این ایده بشر دوستانه، انقلابات آزادیبخش و عدالتجویانه در سطوح گوناگون (ب.م. انقلابات در فرانسه، امریکا و سپس در روسیه، چین و بسیاری از کشورهای جهان)، حتی بعد از آلودگی به انحرافات غیر دموکراتیک و ناعادلانه، به فرایند سرنوشت ساز متری در عرصه مبارزات تاریخی مردم تعلق می گیرند. شکی نیست که مقابله با آسیبهای اجتماعی مانند استبداد سیاسی، نابرابری های نژادی/جنسیتی و ناعدالتهای اقتصادی و اجتماعی، همچنان در برگیرنده های افتخار آمیز انسانها تبلور می یابند. بر این اساس روشن است که حرکت گسترده توده ها علیه استبداد و نابرابری که در واقع حامل خصلت انقلابی (نفی کلیت نظام سیاسی و اجتماعی موجود) است، رسالتی آزادیبخش در مقابل مردم می باشد.

اعتقاد به دموکراسی، جمهوری و لائیسیت: اما مهم است که انقلاب به طور هدفمند پیروز گردد و ایجاد اشکال و مناسبات دموکراتیک و برابرگونه ضروری می باشند. بدیهی است که استمرار آزادی های دموکراتیک و مناسبات عادلانه اقتصادی و اجتماعی نمی تواند که بدون مشارکت مستقیم و غیر مستقیم توده ها تداوم یابد. دموکراسی به مفهوم حاکمیت مردم دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در درجه اول برای اداره دموکراتیک و در عین حال سازمان یابی عادلانه جامعه در ابعاد محلی و سراسری، به موازین متنوع سیاسی و اجتماعی و از جمله نهاد های تجربه شده مدیریتی مانند انجمن ها و شوراها در محیط زندگی و کار نیاز است. داده های بیشمار تاریخی در دسترس می باشند و سازماندهی دموکراتیک در راستای تقسیم اتوریته برابر در سطوح مختلف جامعه (ب.م. محله، ناحیه، دهکده،

شهرستان، شهر، فرمانداری و ایالت) و استثمار زدائی در حیطه فعالیت‌های متنوع اقتصادی (کارخانه ها و مؤسسات اقتصادی)، هسته مرکزی در توزیع عادلانه اختیارات و توانمندی توده ها را تشکیل می دهد.

جمهوری اهمیت قانون تدوین گشته به طور دموکراتیک توسط مردم را برجسته می نماید و طبیعی است که حاکمیت مردم تنها می تواند تحت لوای قوانین و موازین نهادینه شده و عادلانه از طریق مشارکت آگاهانه و توانمند توده ها برقرار گردد. تاریخ بشری نشان می دهد که بر روی استفاده از تجربیات سیاسی و به کار اندازی موازین مساواتگرانه و خردمندانه است که مضمون قوانین دموکراتیک توسعه می یابند و در صورت وجود جامعه مدنی فعال و پویا، پیشرفت جمهوریت (قانونمداری دموکراتیک) به تعمیق دموکراسی در جامعه می انجامد. اما این نوع نگرش به ایجاد تحول در مناسبات اجتماعی، مورد پذیرش همگان نیست و علاوه بر جریانات ارتجاعی و غیر دموکراتیک، برای بخشی از اپوزیسیون مردمی و عمدتاً چپ‌های سنتی نیز، موجودیت نظام‌های سیاسی و اجتماعی در قید پیوندهای ایدئولوژیک است و مثلاً از نگاه آنها (بنادرستی) شکل سیاسی جمهوری تنها به مناسبات سرمایه داری تعلق می گیرد. در این نوشته گرایش بر این است که این نوع نظرگاه بر واقعیات استوار نیست و اگر عامل ذهنی و به ویژه آگاهی‌های مساوات گرانه اعتلا یابند، بدون شک عناصر عینی سیاسی و از جمله فرایند جمهوری (قوانین انتخابی دموکراتیک) و دموکراسی (حاکمیت مشارکت آمیز مردم) از ضرورت‌های اساسی برای پیشرفت انسانی جامعه می باشند.

لانیسیته به معنای جدائی دولت و مذهب با سکولاریسم تشابهات زیادی دارد. در واقع آنها عمدتاً ایده هائی هستند که با توجه بر دنیای مادی و تجربیات تاریخی و عرفی بر وجود جدائی مذهب از دولت و حقوق مدنی قانونمند تأکید می کنند. در انقلاب آزادیخواهانه و دموکراتیک ۱۳۵۷، متأسفانه قدرت حکومتی از سوی آقای خمینی و پیروان وی اشغال گردید. بر اساس شیوه تئوکراتیک حکومتی، از نظر آنها محدودیت جغرافیائی (مرزهای کشور) و فرهنگ ایرانی نمی توانستند که نمایانگر جامعه باشد، بلکه اعتقادات مذهبی (در اینجا اسلام شیعه) عامل مرکزی برای معرفی جامعه قلمداد شد. در این راستا بود که سیاست‌های بسیار خشونت آمیز و اعدام‌های هزاران نفر از دگر اندیشان جاری گشت و اکنون پس از سپری گشتن بیش از ۴۰ سال، مردم ایران تحت سلطه یک نظام توتالیتار مذهبی و شدیداً مخالف آزادیها و پلورالیسم سیاسی و آمیخته با ناهنجاریهای شدید اقتصادی و اجتماعی و در واقع کاملاً در تضاد با حقوق دموکراتیک برآمده از موازین لائیک، به سر می برند.

واقعیت این است که در شرایط کنونی، ایران به ایجاد تحولات رادیکال دموکراتیک و استقرار بلافاصله دموکراسی سیاسی که جمهوری نمایان آن باشد، نیازمند است. البته جهت حفظ حداقل های دموکراتیک و دستاوردهای نهادینه شده آن (ب.م. آزادیهای دموکراتیک و وجود حق رأی عمومی و کاملاً دموکراتیک)، مهم است که برای فعال کردن مردم در امور جامعه و در واقع عبور از موانع متنوع سیاسی و اجتماعی ناشی از مقاومت از سوی قدرتهای ارتجاعی داخلی و خارجی، همواره تلاش گردد. یکی از عناصر مهم در این راستا اعتقاد به وجود چشم اندازی کاملاً متغیر از مناسبات غیر دموکراتیک و ناعادلانه و در عوض مدافع برابری و توانمندی دموکراتیک برای توده های مردم است که در اوان این مرحله، استقرار بلافاصله یک جمهوری دمکرات و لائیک ضروری می باشد.

۲۷ اگست ۲۰۲۰